

# دُنیایِ جاز



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی  
(دنباله و پایان)

۳ - دقت در دو عاملی که قبلاً ذکر شد بسیار مفید است. اما واضح است که موسیقی جاز بدون رنگ آمیزی تونال خود «جاز کامل» نیست. رنگ، ارزش حقیقی صداها را در جاز نشان میدهد. رنگها متعدد و متفاوتند اما اغلب آنها از کیفیت صدای خواندن سپاهان گرفته شده‌اند. مثلاً، هرگاه «لوئی آرمسترانگ» بنواختن ترومپت می‌پردازد، فقط بترجمه خواندن خود مشغولست. من توصیه میکنم یکی از صفحات آرمسترانگ گوش کنید. در آنجا نواختن ترومپت را با آنچه که خود او میخواند: «من چیزی جز عشق،

تورا نتوانم داد.» مقایسه کنید. در این مقایسه شما از ابراز این حقیقت ناگزیرید که ایندو اجرا، ترومپت و آواز هر دو یکچیز می‌گویند، و یک نفر گوینده و نوازنده آنهاست. یک شخص در دوزبان یا بدو وسیله یکسخت می‌گوید و چه شخص عجیبی است؟

اما آواز سیاهان، ایمناسیونهای دیگری نیز از خود بوجود می‌آورد. ساکسفون بنوبه خود انواع ایمناسیون حاصل می‌کند: اجرای با نفس، با صدای خفه، اجرای ویراتو یا ترمور، اینها تمام غزرها و خراشهای مختلفی هستند که با گذاشتن سوردینهای مخصوص و مختلف در دهانه ساز بآنها دسترسی می‌یابیم.

برای ترومپت نیز چند نوع سوردین ساخته شده است: سوردین هارمون - سوردین وه - وه - وسوردین دیگری برای داخل دهانه و نیز رنگهای دیگر که همه ملهم از سرچشمه موسیقی «افرو-کوبان» (Afro - Cuban) هستند، از بنگو، طلبهای مختلف ماراکاس، کابسل (Cow - bell) و غیره حاصل می‌شود.

و باز رنگهایی که ریشه‌هاشان از موسیقی شرقی است: ویرافون، باس پلاک (Plucked - Bass)

این رنگها، نفوذ موسیقی هند و عرب است که از راه آفریقا با آمریکا آمده است.

نتیجه اینکه رنگ آمیزی مخصوص جاز نیز بنوبه خود حائز اهمیت فراوان است.

۴ - کمی درباره «فورم» در موسیقی صحبت کنیم. بعضی‌ها معتقدند که این موسیقی، دارای فورم نیست. اگر شما خواننده این سطور از آندسته باشید قطعاً این مطالب سبب تعجب شما خواهد شد. قبل از اینکه بیان فورم در موسیقی جاز بپردازیم باید اعتراف کنیم که در این موسیقی استثنائاً قطعاتی ساخته شده‌اند که دارای فورم ثابت و بخصوصی نیستند. اما از طرفی باید گفت که در موسیقی غیرجاز نیز احتمال چنین پدیده‌ای خیلی فراوانست و از طرف دیگر قطعات بدون فورم در جاز اصولاً «جاز» بمعنای حقیقی کلمه نیستند!

بلوز درست از یک فورم شعری از نوع « Iambic Pentameter » بوجود می‌آید ولی خط اول شعر در بلوز تکرار می‌گردد. این شکل تقریباً تا آخرین حد ممکن کلاسیک است. در بلوز همواره « سجع و قافیه جفتی » وجود دارد.

بعبارت دیگر فورم بلوز همان است که در سونات کلاسیک بنظر میرسد.

I will not be afraid of death or banishment,  
I said I will not be afraid of death or banishment, Till  
Birnam forest come to Dunsinane.

اکنون، با ملاحظه مثال بالا می‌بینید که هر یک از خطوط سه گانه از چهار میزان موسیقی تشکیل می‌شود - که باین ترتیب تمام Stanza از ۱۲ میزان ترکیب می‌گردد. اما در هر چهار میزان، آواز تقریباً نصف آنرا اجرا می‌کند، و بقیه جمله بوسیله ساز تکمیل می‌گردد. اجرای ساز برای تکمیل را بنام «قطع» یا «برش» مینامند. در این «برش»، اساس و اصل «تقلید» آواز را بوسیله ساز «Imitaton Instrumentale» بدست می‌آوریم، یک آلودگی فراوان که دنیای جاز از آن ملهم می‌گردد... لوتی آرمسترانگ با بداهه نوازی قسمت‌های «برش» در آهنگهای بلوز که توسط «بسی اسمیت» (Bessie Smith) خوانده شده صدای حقیقی جاز را حاصل می‌کند. او اینکار را در قطعاتی می‌کند که حتی تمام سازها. بداهه نوازی مینمایند:

Bessie Smith and Armstrong «Reckless Blues» و Harmonium  
آیا هیچوقت بسازی که خواننده را همراهی می‌کند بدقت گوش فرا

داده اید؟ این ساز هارمونیم است - که با کمی صرف نظر کردن از صدای خس خس آن، تأثیر صدای ارگ بشرکت یک آهنگ مذهبی میدهد. هارمونیم مخصوصاً متناسب برای بلوز است زیرا آکوردها در بلوز همیشه باید همان سه آکوردی باشد که همه ما در آهنگهای مذهبی شنیده و میدانیم.



این هارمونی همیشه باید در همان قالب کلاسیک خود بماند - خالص و ساده. سعی کنید که واریاسیونی از آن بیرون بکشید و باین ترتیب کیفیت بلوز سر از پنجره بیرون خواهد کشید.

آری، شما چند چیز خواهید داشت: ملودی، ریتم، رنگ، فورم و آرمونی. در هر یک از اینها کیفیت بخصوصی هست که در عوض خود موسیقی، که سازنده تأثیر جاز میباشد. بگذارید تمام این عوامل را باهم جمع کنیم و یک بلوز با نشاط، مجسم و روان بشنویم. اوه! میدانستید که بلوز می تواند با نشاط باشد؛ در پاسخ این سؤال می توانید به Pete Rugolo king porter stamp گوش دهید

پروفسور گادامینی و مطالعات فرهنگی

آنچه که تا کنون گفته شد، ممکن است اینطور نشان دهد که موسیقی جاز تنها بلوز و فورم آنست. و حال آنکه این چنین نیست. من از آن جهت بلوز را بعنوان مثالی برای تشریح جاز انتخاب کردم که عوامل این موسیقی در آن در راه بسیار خالص و روشنی خود نمائی میکند. اما تمام این عوامل در فورم دیگری از جاز نیز دیده میشود که آنرا «آهنگهای عامیانه» مینامیم. در «آهنگهای عامیانه» نیز فورم بصورت ثابت و مستقلى وجود دارد.

این آهنگها بیشتر بفورم دوتائی (Binaire) و بندرت بفورم سه تائی (Ternaire) هستند. آهنگهای عامیانه بساده ترین شکل نوشته میشود چیزی



وسپس برزوی آن یکسری واریاسیون مینویسد :  
یکی از آنها اینگونه آغاز میگردد :

و دیگری اینچنین :

یکی دیگر باینشکل :

هر کدام از این شکلها، یک قطعه مستقل بشمار میروند با وجود اینکه همه آنها یکی هستند یا بعبارت دیگر همه از یک تم اند. موسیقیدانهای

جاز نیز عیناً بهمین ترتیب عمل میکنند .

و اکنون، بمهیج‌ترین قسمت جاز میپردازیم، دست کم برای من، این قسمت بداهه نوازیهای توأم است .

مطلب چنین است که بعضی اوقات دو نوازنده، بایبشتر، یک ملودی را در یک زمان بداهه نوازی میکنند . هیچیک نمیدانند که دیگری چه خواهد کرد اما با اینحال بنوازندگی بکدیگر توجه کافی دارند و جمله‌ها را از یکدیگر میربایند، و بهم پاسخ میدهند . آنچه که در یک آن بطور اتفاق روی هم میافتد حقیقتاً کور است نوعی از آرمونی است که در Sweet Sue ( یک آهنگ عامیانه ) شنیده میشود . حتی از نوازندگی توأم آنها نوعی کنترپوان عرضی ایجاد میشود . عمل بداهه نوازی آنرا تاسیک Dixie ترقی داده است که سبک فوق‌العاده زنده است . یکی از نشاط آورترین صداهای موسیقی وقت است که یک دسته ارکستر Dixie در آخرین گر خود با ددر سازها بدمند، همه مشغولند، بداهه نوازی میکنند . شما میتوانید این تأثیر را از شنیدن Dix Beiderbecke , The Bix Beiderbecke Story Vol . 3 درک کنید .

اما موسیقی جاز، کاملاً بداهه نوازی نیست . بسیاری از آنچه که چنین بنظر میرسد، بر روی کاغذ نوشته شده است و در اینحال آنرا آرانژمان Arrangement میگویند . نوشتن و ثبت تمام نوتها، حالات و نوانها، عمل بسیار مشکلی است . در نوتاسیون، هیچگونه علامتی برای ثبت « ربع پرده » که قبلاً اشاره شد وجود ندارد . و نیز هیچ علامتی برای انتوناسیونهای مخصوص جاز شبیه به لکه‌های صوتی، خراخرا کردنها و مفاهیم دقیقتر و ظریفتر موجود نیست . حتماً بوسیله علامت موجود میتوان فقط بریتم حقیقی و منظور نظر نزدیک شد . بنابراین در بیشتر قطعات جاز، تأثیر حقیقی مجموعه قطعه بهوش و درک نوازنده واگذار میشود .

یک نکته که گفتنش اهمیت دارد : چندسال پیش، جاز وسیله‌ای برای رقص بود اما اکنون کم هستند کسانی که باموسیقی جاز میرقصند در این چند سال چه بر سر رقص آمده است ؟ و فلسفه این تغییر چیست ؟

بطور ساده باید گفت که این « وظیفه » جاز است که کمی تغییر کرده است . جاز اکنون آنچنان کیفیتی دارد که فقط باید گوش کرد . جاز با آرانژمان‌های جالبش همان وظیفه‌ای را اکنون بعهده دارد که موسیقی مجلسی

در گذشته داشت . محققاً شما نخواهید توانست هم باتمام قلب بآن گوش فرا دهید وهم با آن برقصید . اینست که اغلب شنوندگان میل دارند که فقط به موسیقی گوش کنند.قطعه: Dave Brubeck , Sometimes i,am Happy , مثال خوبی است .

نه تنها این تحول در جاز، رقص همراه آنرا کم کم از بین برده است بلکه نوازندگان را بفکر تشکیل کنسرت های مخصوص جاز انداخته است . تاکنون چندین بار در کارنگی هال کنسرت مخصوص جاز داده شده است . آهنگسازان جاز بنوشتن قطعات بزرگ مشغول میشوند . و باید گفت که: جاز در طی تحول خویش، راه خود را یافته است .

ترجمه پرویز منصوری

«سیدنی بچت» موسیقی دان بزرگ جاز

